

پیام ده

نقطه مرکزی و حیاتی کتب بازاریابی عزرا و نحمیا -
رهبری مناسب و کافی در بازاریابی خداوند

مطالعه متون مقدس: نحمیا ۸: ۱-۱۰؛ ۱۳: ۱۴، ۲۹-۳۱؛
متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ ۲۳: ۸-۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۷

۱. در اقتصاد جاودان خدا و در بازاریابی خداوند، رهبری به ظرفیت روحانی بستگی دارد؛
مقام رهبری، رسمی، دائمی، سازمانی، یا سلسله مراتبی نیست - ۱ تسالونیکیان
۱: ۵؛ ۲: ۱۴-۱؛ ۵: ۱۲-۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷، ۲۴:
- آ. نظر خداوند درباره رهبری، برعکس نظر طبیعی است؛ در بین مردم خدا، در واقع
مقام رهبری به معنای طبیعی وجود ندارد - متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ ۲۳: ۸-۱۳:
 ۱. در اقتصاد عهد جدید خدا، رهبری به معنای بردگی است. هر کسی که
بخواهد رهبر باشد باید حاضر باشد که برده باشد - مرقس ۱۰: ۳۵-۴۵.
 ۲. رهبری، با رشد در حیات شکل گرفته و نتیجه نیاز است؛ اگر نیازی نباشد،
رهبری نمی تواند اظهار شود - ۱ پطرس ۵: ۱-۳.
 ۳. برای کنار گذاشتن نظر انسانی درباره رهبری، خدا مقدر کرد که رهبری در
بین مردم او باید همیشه به ظرفیت روحانی بستگی داشته باشد - اعمال
۱۳: ۲، ۹؛ ۱۴: ۱۲؛ غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴.
 ۴. هیچ رهبری سازمان یافته ای در بازاریابی خداوند وجود ندارد، و هیچ سازمان
متحد کننده ای نیست؛ در عوض، یک سر وجود دارد که مستقیماً به همه
اعضا دستور می دهد، و یک ارگانیسم وجود دارد، بدن - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳.
- ب. بر طبق عهد جدید، اقتدار رسولان، روحانی بوده و در خدمتگزاری کلام توسط
آنهاست - اعمال ۲: ۴۲؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۵-۶؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳:
 ۱. آنها هیچ اقتداری در مقام ندارند که در امور کلیسا دخالت کنند؛ فقط کلامی
که توسط آنها بخش می شود اقتدار دارد - کولسیان ۴: ۱۶؛ عبرانیان ۱۳: ۷.
 ۲. کلیساها از رسولان پیروی می کنند زیرا رسولان دارای تعلیم عهد جدید
هستند - فیلیپیان ۲: ۱۲؛ اعمال ۲۰: ۱۷-۳۶.
 ۳. اگر یک کلیسا به بیراهه برود یا گمراه شود، رسولان وظیفه و مسئولیت دارند
که طبق کلام خدا، که اقتدار دارد، به وضعیت رسیدگی کنند - آ. ۲۶-۲۷؛
۲ قرنتیان ۱۰: ۶؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۲.
 ۴. رهبری، در تعلیم رسولان تولید، تقویت و محصور می شود - تیتوس ۱: ۹.
پ. در عهد جدید، یک خدمتگزاری با یک رهبری وجود دارد - اعمال ۱: ۱۷، ۲۵؛
۲ قرنتیان ۴: ۱:

رهبری مناسب و کافی در بازیابی خداوند

۱. مسیحیتِ امروزی به علت وجود رهبری های متعدد، تقسیم شده است. چون خدمتگزاری یکی است، نباید بیش از یک رهبری وجود داشته باشد.
۲. یک رهبری وجود دارد زیرا خدا، خداوند و روح همه یک هستند. آن یک رهبری، جهت حفظ یگانگی روح برای بدن مسیح است - افسسیان ۴: ۳-۶.
۳. عهد جدید به ما اقتدار سپرده شده توسط خدا را در افراد رهبر در خدمتگزاری نشان می‌دهد، اقتداری که برای بناسازی است - ۲ قرنتیان ۱۳: ۱۰.
- (آ) اقتدار سپرده شده خدا، در تعلیم رهبران بود - ۱ قرنتیان ۴: ۱۷-۲۱؛ ۷: ۱۷؛ ۱۱: ۲؛ ۱۶: ۱؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۶، ۹، ۱۲، ۱۴.
- (ب) تعلیم دادن یک چیز در همه جا در هر کلیسا، نشان دادن اقتدار سپرده شده پولس بود - ۱ قرنتیان ۴: ۱۷.
- ت. رهبری در خدمتگزاری عهد جدید، بیشتر در تعلیم عهد جدید است تا در خود رهبران خدمتگزاری عهد جدید - اعمال ۲: ۴۲؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۰.
۲. رهبری در خدمتگزاری عهد جدید، رهبری بینش کنترل کننده اقتصاد جاودان خداست، نه رهبری یک فرد کنترل کننده؛ پولس رسول اعلام کرد: «رؤیای آسمانی را نافرمانی نورزیدم» - اعمال ۲۶: ۱۹.
- آ. اقتصاد جاودان خدا از طریق رسولان آشکار شد، ولی به این دلیل که ایمانداران فهم درست آن را از دست دادند، نیاز به بازیابی آن توسط خداوند وجود دارد؛ اقتصاد جاودان خدا (یونانی Oikonomia)، اداره اهل خانه اوست برای توزیع خود در مسیح به درون مردم برگزیده خود تا خانه ای برای ابرازش داشته باشد، همان خانه ای که کلیسا، بدن مسیح است - افسسیان ۳: ۲، ۸-۹؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ ۳: ۱۵؛ افسسیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۲۱-۲۲؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰.
- ب. «بازیابی» به معنای ترمیم یا بازگشت به حالت عادی پس از آسیب یا خسارت وارد شده است؛ «بازیابی» یعنی بازگشت به قصد و معیار اصلی خدا همانطور که در متون مقدس آشکار شده است، که طبق پیشرفت فعلی بازیابی او از محتویات اقتصاد جاودان خداست:
۱. بازیابی خداوند، بازیابی مسیح به عنوان مرکز، واقعیت، حیات، و همه چیز در خدمتگزاری کامل او در جسم پوشیدن، شامل شدن، و شدت یافتن است - کولسیان ۱: ۱۷؛ ۱۸؛ ۱۸: ۸۰؛ ۱، ۱۵، ۱۷-۱۹؛ یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ مکاشفه ۲: ۴-۵، ۷، ۱۷؛ ۳: ۷-۸، ۱۳-۱۲، ۲۲-۱۷؛ ۴: ۵؛ ۵: ۶؛ یوحنا ۶: ۵۷؛ ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۲۱: ۱۷-۱۵؛ ر.ک. ارمیا ۳۲: ۳۹.
۲. بازیابی خداوند، بازیابی یگانگی بدن مسیح است - یوحنا ۱۷: ۱۱، ۲۳-۲۱؛ افسسیان ۴: ۳-۴؛ مکاشفه ۱: ۱۱.
۳. بازیابی خداوند، بازیابی عملکرد همه اعضای بدن مسیح است - افسسیان

- ۴: ۱۵-۱۶؛ رومیان ۱۵: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۵، ۹؛ ۱ قرننتیان ۱۴: ۱، ۴، ۱۲، ۲۶، ۳۱، ۳۹؛ ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴ (زیرنویس ۱ در آ. ۳۳).
- پ. این بینش باید روز به روز در ما نو شود تا بینش کنترل کننده تمام زندگی، کار و فعالیت ما باشد - ۱ یوحنا ۱: ۷؛ ۱ پطرس ۲: ۹؛ اشعیا ۲: ۵؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵؛ ۳۶: ۸-۹.
- ت. ترک بازیابی خداوند توسط یک شخص به این معناست که او هرگز آنچه بازیابی خداوند هست را ندیده است؛ اگر ما بینشی از بازیابی خداوند ندیده باشیم، در واقع در بازیابی خداوند نیستیم - اعمال ۲۶: ۱۳-۱۹؛ ر.ک. پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۸.
- ث. ما در بازیابی خداوند باید بینشی روشن از اقتصاد جاودان خدا داشته و سپس توسط این بینش حکمرانی، کنترل و هدایت شویم، زیرا ما اینجا هستیم تا اقتصاد جاودان خدا را در بازیابی او اجرا کنیم.
- ج. رهبری در بازیابی خداوند، رهبری بینش خدادادی از اقتصاد جاودان خداست که ما را محصور کرده، ما را هدایت می کند، و ما را کنترل می نماید تا از سردرگمی و تفرقه اجتناب شود - امثال ۲۹: ۱۸.
- چ. ضمیمه کتاب «بینش عصر» را بخوانید.
۳. نقطه مرکزی و حیاتی کتب بازیابی عزرا و نحمیا، رهبری مناسب و کافی است - نحمیا ۸: ۱-۱۰:

آ. ما در بازیابی خداوند، رهبری یک بینش کنترل کننده را داریم در یک خدمتگزاری از طریق کسانی که آن بینش را می آورند - افسسیان ۳: ۳-۵، ۹؛ کولسیان ۱: ۲۴-۲۹:

۱. پولس گفت که او و همکارانش «خادمان مسیح و مباحثان رازهای خدا» بودند (۱ قرننتیان ۴: ۱). آنها مباحثان بوده، بینش آسمانی رازهای خدا را به ایمانداران توزیع می کردند؛ این رازها، مسیح به عنوان راز خدا و کلیسا به عنوان راز مسیح هستند (کولسیان ۲: ۲؛ افسسیان ۳: ۴؛ ۵: ۳۲). این خدمت توزیع کردن، [یعنی] مباحثان، همان خدمتگزاری رسولان است (۳: ۲، ۸-۹).
۲. «و دیگر در وکلا [مباحثان] بازپرس می شود که هر یکی امین باشد» (۱ قرننتیان ۴: ۲). ما باید مثل پولس، «از خداوند رحمت [یابیم] که امین [باشیم] (۷: ۲۵ ب؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۲)، تا غلامان امین باشیم، کسانی که از روی عادت، به اهل خانه خدا غذا داده، کلام خدا و مسیح را به عنوان تأمین حیات به ایمانداران در کلیسا (متی ۲۴: ۴۵-۴۷) خدمتگزاری می کنند؛ ما می خواهیم کسانی باشیم که بر کار خداوند در این عصر امین هستند، تا بتوانیم در شادی خداوند در عصر بعدی شرکت کنیم، با این درک که ارزیابی و پاداش خداوند نه به اندازه و مقدار کار ما، بلکه به وفاداری ما در استفاده کامل از عطای او ارتباط دارد (۲۵: ۲۳-۲۱؛ ر.ک. مکاشفه ۳: ۸).

رهبری مناسب و کافی در بازیابی خداوند

ب. فقط تحت رهبری افراد امینی مثل نحμία و عزرا، اسرائیل می توانست بازساخت شود تا شهادت خدا، ابراز خدا بر روی زمین، قومی کاملاً متفاوت از ملل غیر یهود باشد. این نمادی است از آنچه که خدا می خواهد امروز کلیسا باشد - نحμία ۱۳: ۱۴، ۲۹-۳۱؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵.

پ. نحμία می دانست که بدون عزرا نمی تواند مردم خدا را بازساخت کند:

۱. در بازساختن ملت، نحμία دریافت که کلام خدا را نمی دانست.
۲. عزرا به خاطر دانشش از کلام خدا مشهور بود، و نحμία حاضر بود که برای کمک، به او مراجعه کند.

ت. بر طبق اصل الهی، نمایندگی مناسب بدن همیشه توسط کسانی است که با دیگران مطابقت دارند - ۱ قرنیتیان ۱: ۱؛ خروج ۴: ۱۴-ب ۱۶:

۱. تنها بودن، فردگرایی است، اما فرستاده شدن با دیگری، فرستاده شدن مطابق اصل بدن است - لوقا ۱۰: ۱؛ اعمال ۱۳: ۱-۳؛ رومیان ۱۲: ۵؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱.

۲. بطور فردگرایانه عمل کردن، نقض اصل بدن است.

۳. در بازیابی خداوند، نیاز فوری به کار حقیقی بناسازی بدن وجود دارد؛ ولی این کار بنا می تواند فقط توسط همکاری انجام شود که تطبیق یافته اند - فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۲.

ث. «خداوند به من نشان داده است که برادران زیادی را آماده کرده است که به عنوان غلامان همکار با من، بطور یکپارچه خدمت خواهند کرد. حس می کنم که این تدارک حاکمیت خداوند برای بدن او، و روش به روز برای انجام خدمتگزاری اوست» - ویتنس لی، ۲۴ مارس ۱۹۹۷.

ضمیمه کتاب «بینش عصر»:

از نزدیک دنبال کردن بینش کامل شده این عصر

برای اینکه امروز بتوانیم خدا را خدمت کنیم، بینش ما باید از اولین بینش آدم در پیدایش تا بینش نهایی اظهار کلیسا، اورشلیم نو، ادامه یابد. این، و این به تنهایی، آن بینش کامل است. تا به امروز این بینش به طور کامل به روی ما باز نشده بود.

در موزه کاخ ملی در تایپه، یک نقاشی بر یک طومار بلند هست به نام «صحنه رودخانه در جشنواره چینگ-مینگ». این به تفصیل فرهنگ، زندگی، و روش مردم چین را در زمان نقاشی توصیف می کند. دیدن تنها چند بخش اول از آن طومار بلند کافی نیست. یک شخص باید قبل از اینکه بتواند تصویری واضح یا «بینش» از کل طیف زندگی در چین داشته باشد، تمام راه را از یک سر به انتهای دیگر طی کند. به همین ترتیب، ما نقاشی خودمان، «صحنه رودخانه در چینگ-مینگ» خودمان را در خدمتمان به خدا داریم. آن از بینش آدم از درخت حیات در باغ عدن آغاز شده و تا اورشلیم نو با درخت حیات، ادامه دارد. اورشلیم نو آخرین صحنه آن بینش است. بعد از آن دیگر چیزی بیشتر دیده نمی شود.

رئوس مطالب مطالعه شفاف سازی

...ما خدا را بر طبق صحنه آخر، که شامل تمام صحنه های قبلی می شود، خدمت می کنیم...
از آنجایی که ما بینش به روز و نهایی را داریم، باید از نزدیک دنبال آن باشیم. ما مطلقاً یک انسان را دنبال نمی کنیم، بلکه ما یک بینش را دنبال می کنیم. این به شدت اشتباه است که بگوییم ما یک شخص بخصوص را دنبال می کنیم. ما از بینشی پیروی می کنیم که متعلق به عصر حاضر است. این بینش تمام و کمال خداست.

بازایی خداوند از طریق برادر نی عزیزمان به ما رسید. بدین جهت او هدف حمله قرار گرفت. او در سال ۱۹۳۴ در هانگچو ازدواج کرد. عده ای از این فرصت استفاده کردند تا طوفانی برانگیزند. او خیلی غمگین شد، پس یک روز برای دلداری نزد او رفته، گفتم: «برادر نی، می دانید که بین ما دو نفر هیچ رابطه طبیعی وجود ندارد. من راهی که شما برگزیده اید را از روی دوستی طبیعی با شما، بر نمی گزینم یا آنچه را که موعظه می کنید، موعظه نمی کنم. ما دو نفر به طور گسترده ای از یکدیگر جدا هستیم. من شمالی هستیم و شما جنوبی. امروز مسیری یکسان در پیش می گیرم نه به این دلیل که شما را به عنوان یک شخص دنبال می کنم. من راهی را که شما در پیش گرفته اید دنبال می کنم. برادر نی، دوست دارم بدانید که حتی اگر یک روز شما این راه را نروید، من هنوز هم این راه را در پیش خواهم گرفت.» این را گفتم چون آن طوفان بر عده ای تأثیر گذاشت، و آنها تصمیم گرفتند دیگر این راه را برندارند. به عبارتی دیگر، بسیاری از مردم، یک انسان را دنبال می کردند. وقتی به نظر می رسید که آن انسان تغییر کرده است، آنها برگشتند. ولی من به برادر نی گفتم: «حتی اگر یک روز شما این راه را نروید، من هنوز هم این راه را در پیش خواهم گرفت. من این راه را به خاطر شما بر نمی گیرم، و این راه را به خاطر شما ترک نخواهم کرد. من دیده ام که این راه خداوند است. من آن بینش را دیده ام.»

پنجاه و دو سال گذشت. امروز اصلاً از کاری که کردم پشیمان نیستم. در طول پنجاه و دو سال گذشته، من همان داستان را دیده ام که دوباره و دوباره خودش را تکرار می کند. برخی از مردم آمدند و رفتند. یک صحنه تغییر کرد، و صحنه دیگری آمد. از آغاز کار ما در تایوان، طی سه دهه گذشته، شاهد چند بحران بزرگ بوده ایم. حتی برادرانی که من آنها را به نجات هدایت کردم و کسانی که آموزش های خودم را گذرانده اند، بازایی خداوند را ترک کرده اند. آن بینش هرگز تغییر نکرده است، ولی افراد واقعاً تغییر کرده اند و کسانی که آن بینش را دنبال می کنند نیز تغییر کرده اند. می خواهم یک سخن هوشیارانه از ته دلم به همه شما بگویم. با رحمت خداوند می توانم امروز اینجا بایستم تا این بینش را برای شما بیاورم. امیدوارم که شما من را به عنوان یک شخص دنبال نمی کنید؛ امیدوارم که با رحمت خداوند، شما آن بینشی را که به شما نشان داده ام دنبال می کنید...

دوست دارم یک امر مسلم را برایتان بگویم. این رحمت خداوند است که او [خداوند] آن بینش را بر من آشکار کرده است. من به شما توصیه می کنم که از من پیروی نکنید، بلکه از این بینش پیروی کنید، که برادر نی و همه خادمان خداوند در سرتاسر اعصار برای ما بجا گذاشته اند و من به شما سپرده ام. این در واقع همان بینش است که از اولین صحنه آدم تا آخرین صحنه اورشلیم نو ادامه دارد.